

مجموعه مقالات برتر همایش بین‌المللی
«امام علی ابن موسی الرضا علیه السلام و نهضت علمی، تمدنی جهان اسلام»
جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه مشهد مقدس
اسفند ۱۳۹۷

تبیین شاخصه‌های مناظرات عالم آل محمد صلی الله علیه و آله با علمای سایر ادیان

لیلا نجفیان رضوی^۱

چکیده

ایجاد انشعابات جدید در میان شیعیان، ادامه نهضت ترجمه و رویارویی اصحاب اندیشه با آراء و شیوه‌های استدلالی جدید در کنار واگذاری مقام ولایتعهدی به امام رضا علیه السلام دوران امامت ایشان را به مقطعی خاص در تاریخ تشیع تبدیل نمود. توجه ویژه مؤلفان قرون متقدم به ثبت ابعاد مختلف زندگی آن حضرت تأییدی بر این مدعاست. وجود این منابع، فرصت شناخت بیشتر آن حضرت و ارائه تصویری شفاف‌تر از ایشان را فراهم آورده است. با این حال به نظر می‌رسد وجه غالب کوشش‌های محققان در بررسی مناظرات امام رضا علیه السلام با علمای سایر ادیان، بر روش مناظره ایشان متمرکز بوده است. این پرسش که امام علیه السلام مناظرات خود را با تأکید بر چه شاخصه‌هایی پیش برده و در ورای آنها چه اهدافی را دنبال می‌کرده است، پرسش اصلی پژوهش حاضر را شکل داده است. یافته‌های این تحقیق که به شیوه کیفی و با تأکید بر تحلیل متن به انجام رسیده است، حاکی از آن است که امام رضا علیه السلام در مناظرات خود با علمای سایر ادیان، بر دو شاخصه بهره‌گیری از ظرفیت ادیان و اخلاق‌مداری دینی تأکید داشته‌اند. امری که به‌واسطه آن ایشان به اثبات حقانیت دین اسلام و نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخته‌اند. علاوه بر آن، اقرار مکرر علمای حاضر در مجلس مناظره به علم امام و پذیرش استدلالات آن حضرت، نه تنها اهداف مأمون را از برگزاری مناظره تأمین نکرده، بلکه جایگاه و مقام ایشان را در انظار خاص و عام تثبیت و برجسته نموده است.

کلید واژه‌ها: امام رضا علیه السلام، مناظره، جاثلیق، رأس الجالوت، هربذ، عمران صابی.

^۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد / najafian@um.ac.ir

مقدمه

مناظره در لغت به معنای باهم بحث کردن در حقیقت و ماهیت چیزی و با هم سؤال و جواب کردن است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ۲۱۵۶۳) ابوعلی سینا هدف از مناظره را حصول علم می‌داند و معتقد است که با مناظره فرد مُحِق، شناخته شده و دیگری را در راه صواب یاری می‌رساند. (ابن‌سینا، ۱۳۷۵ ق: ۴۳) این شیوه‌ی حصول علم و اثبات برتری رأی که می‌توان ریشه‌های آن را در نزد فلاسفه‌ی یونانی جستجو کرد، با پیدایش علم کلام در جهان اسلام نیز رونق یافت. بدین ترتیب در قرون دوم و سوم هجری، نه تنها مناظرات درون دینی؛ بلکه مناظرات برون‌دینی فراوانی در اقصی نقاط سرزمین‌های اسلامی شکل گرفتند. مناظره‌هایی که در آنها بزرگان ادیان و یا اصحاب فرق مختلف، تمامی کوشش خود را برای اثبات برتری و حقانیت آراءشان به کار می‌بستند. مناظره‌ی امام رضا (ع) با بزرگان سایر ادیان در حضور مأمون عباسی از آن جمله است. امری که ابعاد مختلف آن در پژوهش‌هایی همچون:

- «تحلیل گفتمان ادیان در مناظره امام رضا (ع) با علمای دین مسیح و یهود». (خزعلی، ۱۳۹۶: ۷۳-۱۰۳)؛

- «مناظره درون دینی در اسلام با رویکرد مناظرات امام رضا (ع)» (قربانی علمداری، ۱۳۹۴)؛

- «نگاهی بر شیوه مناظره امام رضا (ع) با بزرگان ادیان» (صادقیان، بی‌تا) مورد توجه محققان قرار گرفته است.

این مقالات اگرچه در موضوع با تحقیق حاضر مشترک‌اند اما مسئله‌ای متفاوت دارند. با این حال، تمرکز بر روش مناظراتی امام (ع) و مغفول ماندن برخی از ابعاد، همانند شاخصه‌ها و اهدافی که مورد تأکید ایشان در این مناظرات بوده است، شکل‌دهنده مسئله پژوهش حاضر بوده است. بر این اساس، در ادامه کوشش شده است به این پرسش که امام رضا (ع) مناظرات خود را با تأکید بر چه شاخصه‌هایی پیش برده و در ورای آنها چه اهدافی را دنبال می‌کرده است، پاسخ داده شود.

۱. مروری گذرا بر بافت زمینه مناظرات

در آغاز قرن سوم هجری، توسل مأمون به تهدید و اجبار برای سپردن ولایتعهدی به امام رضا علیه السلام با اهداف متفاوتی همچون بهره‌مندی از تکیه‌گاه و کسب مشروعیت، تحت فشار قرار دادن بزرگان عباسی، ممانعت از قیام‌های علویان، جدایی امام علیه السلام از شیعیان‌شان، تخریب جایگاه آن حضرت در نزد پیروان و به تبع آن کاهش حامیان ایشان و نیز محدودسازی و تحت نظر داشتن آن حضرت انجام شد. (صفری فروشانی، ۱۳۸۸؛ خضری، ۱۳۹۱: ۱۹۴؛ جعفریان، ۱۳۹۰: ۵۲۷-۵۳۰)

از سوی دیگر او وارث خلافتی بود که در آن، با توجه خلفای پیشین به دستاوردهای علمی ملل دیگر، زمینه رونق نهضت ترجمه فراهم شده بود. (جمیلی، ۱۳۸۵: ۳۸ به بعد) اسلافش به تدریج، دانشمندان برجسته‌ی سایر ادیان را مقرب خود ساخته و از این رهگذر در امور علمی پیشرفت‌هایی حاصل شده بود. (الگود، ۱۹۷۳: ۱۱۴؛ ابن ابی اصیبعه، ۲۰۰۱ م: ۱۰۸)

می‌توانیم به این شرایط جایگاه علمی مأمون در میان خلفای عباسی (دمیری، بی تا، ج ۱: ۷۲؛ سیوطی، ۱۴۱۱ ق: ۳۰۶) آگاهی او به علوم همانند فقه و کلام (ابن ندیم، ۱۳۸۴: ۱۷۴) و نیز بسط آراء بزرگان و متکلمان شیعه در خصوص علم امام را بیفزائیم. (منتظری، ۱۳۹۲: ۱۴۵-۱۴۱؛ طبری آملی، ۱۴۱۳ ق: ۳۸۸-۳۸۹؛ اشعری، ۱۳۶۱ ش: ۹۵-۹۹؛ کشی، ۱۳۴۸: ۵۳۹-۵۴۱) در این صورت درمی‌یابیم که در چنین بافتی، یکی از بهترین راهکارهای مأمون برای لطمه زدن به جایگاه علمی امام رضا علیه السلام و به تبع آن حقانیت امامت ایشان، برپایی مناظره میان آن حضرت و دانشمندان برجسته بوده است. از این روست که منابع دست اول، مناظرات فراوانی را از دوره‌ی اقامت کوتاه مدت ایشان در خراسان نقل کرده‌اند. (صدوق، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۱۳۹-۱۸۲، ۲۰۷-۲۱۷)

در این میان شاید بتوان گفت امیدواری او از رسیدن به منظور نظر، در ترتیب مناظره میان امام علیه السلام و علمای سایر ادیان، از حضور طولانی مدت مأمون در بغداد و لمس تأثیرگذاری این علما در گسترش دامنه‌ی علوم اسلامی متأثر بوده است. جالب اینجاست

که در این چیدمان، آن‌چنان کوشش او معطوف به تخریب جایگاه امام رضا (ع) در نزد حامیان‌شان و مطرح نمودن خود به‌عنوان تنها مجری دین بوده، (ناظمیان فرد، ۱۳۸۸: ۷۵) که این خلیفه‌ی نام‌آور از توجه به نتایج احتمالی شکست امام (ع) غافل مانده است. نتایجی که در کنار به حاشیه راندن هسته‌ی مرکزی گفتمان تشیع (امام)، فروریزی جایگاه مأمون به‌عنوان خلیفه‌ی مسلمانان آن روز جهان اسلام را نیز به دنبال داشته است. چراکه کوشش‌ها و مناظرات بین‌الادیانی علمای مسیحی، یهودی، صابئی و زردشتی در این دوره، بر محور انکار عقیده‌ی مسلمانان در خصوص الهی بودن دین اسلام، صدق ادعای نبوت پیامبر ﷺ و آسمانی بودن قرآن بوده است. (حضرتی، ۱۳۹۵: ۱۷۴-۱۷۶)

در چنین فضایی است که امام رضا (ع) مناظره را پذیرفته و به‌واسطه آن به‌صورت خاص، به کوشش‌های برجسته‌ترین علمای مسیحی و یهودی در مرکز آن روز خلافت عباسی، برای به چالش کشیدن حقانیت اسلام و نبوت پیامبر ﷺ خاتمه داده‌اند.

در ادامه با ارائه‌ی مستندات، شاخصه‌های مورد تأکید امام (ع) در پیشبرد مناظرات با علمای سایر ادیان معرفی شده‌اند. مناظراتی که بنا بر متن کتاب عیون اخبار الرضا (ع) در مجلسی با جمعیت زیاد و با حضور عموی امام (ع) - جعفر بن محمد - برخی از سادات و فرماندهان لشکر برگزار شده است. (صدوق، همان، ج ۲: ۱۴۱)

۲. بهره‌گیری از ظرفیت ادیان

اشتراک ادیان آسمانی در اصول، بشارت رسولان آنها به ظهور پیامبری دیگر و نقش تکمیل‌کننده این ادیان که به دین اسلام و نبوت حضرت محمد ﷺ ختم شدند، فرصت مناسبی در اختیار امام رضا (ع) قرار داد تا با تکیه بر این موارد، به اهداف خود از مناظره دست یابد. از این روست که هنگامی که یکی از نزدیکان امام (ع) از برپایی این مجلس مطلع می‌شود و ایشان را از شرکت در آن بر حذر می‌دارد، آن حضرت با ذکر این نکته که با هر عالم و متکلمی بر اساس کتاب مورد تأییدش مناظره خواهد کرد، او را به نتیجه‌ی مناظره دلگرم می‌سازند. (صدوق، همان: ۱۴۰-۱۴۱)

شاید به علت بازار گرم ردیه‌نویسی مسیحیان علیه مسلمانان است که مأمون در ابتدا از جاثلیق می‌خواهد تا پرسش از امام ﷺ را آغاز کند. آغاز مجلس با تذکر جاثلیق به این امر است که به دلیل مغایرت مبانی استدلالی امام رضا ﷺ با او، امکان مباحثه وجود ندارد؛ اما امام ﷺ با متعهد شدن به پاسخ دادن به او بر اساس انجیل، نه تنها علم و آگاهی خود به سایر کتب آسمانی را آشکار می‌سازند بلکه باعث می‌شوند که او در جمع به این امر اذعان نماید که نمی‌تواند انجیل را رد نماید، حتی اگر برخلاف میل باطنی‌اش باشد. (صدوق، همان: ۱۴۱)

با توجه به انبوه مجادلات علمای مسیحی با مسلمانان، (سیدنی، ۱۳۸۶) که پیش‌تر به آن اشاره شد، دور از انتظار نیست که نخستین پرسش جاثلیق از چگونگی عقیده‌ی امام رضا ﷺ درباره نبوت عیسی و کتاب او باشد. پاسخ امام ﷺ به جاثلیق با بهره‌گیری ظریف ایشان از ظرفیت ادیان و مبشر بودن هر دین در خصوص دین پس از خود صورت می‌گیرد. آن حضرت می‌فرمایند: «من به نبوت عیسی و کتابش و به آنچه امتش را به آن بشارت داده و حواریون نیز آن را پذیرفته‌اند، ایمان دارم و به هر «عیسی» ای که به نبوت محمد ﷺ و کتابش ایمان نداشته و امت خود را به او بشارت نداده، کافر». (صدوق، همان: ۱۴۱) بدین ترتیب ایشان علاوه بر حاشیه رانی ادعاهای گفتمان رقیب، به اثبات نبوت پیامبر ﷺ از طریق بشارت حضرت عیسی { می‌پردازند. ادامه بحث جالب‌توجه است. جاثلیق از امام ﷺ برای ادعایشان دو شاهد از غیر از هم‌کیشان ایشان طلب می‌کند و آن حضرت بر لزوم اثبات گفته خود بر این شیوه صحه می‌گذارند. امام رضا ﷺ اولین شاهد خود را یوحنا دیلمی معرفی می‌کنند. فردی که جاثلیق، در همان ابتدا، محبوبیت، عدالت و جایگاه او نزد حضرت عیسی ﷺ را تأیید می‌کند. (صدوق، همان: ۱۴۲) امام ﷺ گفته یوحنا در انجیل را شاهد می‌آورند که «گفت: مسیح مرا به دین محمد عربی آگاه کرد و مژده داد که بعد از او خواهد آمد و من نیز به حواریون مژده دادم و آنها به او ایمان آوردند» و آنگاه جاثلیق را به وجود این سخنان در انجیل شاهد می‌گیرند. (صدوق، همان: ۱۴۲) جاثلیق ناچاری خود برای تأیید گفته‌های امام ﷺ و ادامه مناظره را با این سخنان

جبران می‌کند که «یوحنا از قول حضرت مسیح چنین مطلبی را نقل کرده است و نبوت مردی را مژده داده و نیز به اهل بیت و وصی او بشارت داده است اما معین نکرده که این موضوع چه زمانی اتفاق خواهد افتاد و او را نیز برایمان معرفی نکرده تا بشناسیم.» (صدوق، همان: ۱۴۲)

با شبهه‌افکنی جاثلیق، امام علیه السلام پیش از آوردن شاهد دوم خود، در حضور جمع او را مخاطب قرار داده و از او می‌پرسند که اگر فردی را حاضر کنند که بتواند انجیل بخواند و مطالب مربوط به محمد صلی الله علیه و آله [اهل بیت علیهم السلام] و امتش را برایش تلاوت کند، ایمان می‌آورد؟ با پاسخ مثبت جاثلیق، امام علیه السلام پیش از معرفی این شاهد، گامی به سوی تحقق هدف محوری خویش از مناظره - یعنی اثبات حقانیت دین اسلام و نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله - برمی‌دارند. سپس با توجه به محتوای تکمیل‌کننده ادیان، نسطاس رومی را فرامی‌خوانند و از او می‌خواهند که در صورتی که آن بخش از انجیل را که می‌خوانند در خصوص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، اهل بیت و امت ایشان است، بر صدق آن گواهی دهد. (صدوق، همان: ۱۴۲)

امام رضا علیه السلام قرائت بخش موردنظر خود از انجیل را با دو پرسش به پایان می‌برند که هریک ناظر بر یکی از اهداف ایشان از مناظره است: ابتدا جاثلیق را مخاطب قرار داده و به او می‌گویند: «تو را به حق مسیح و مادرش قسم می‌دهم، آیا دانستی که من عالم به انجیل هستم؟» و سپس نظر او را در خصوص بخش قرائت شده از این کتاب آسمانی جویا می‌شوند. بدین ترتیب تأیید علم امام علیه السلام به انجیل از سوی جاثلیق، درهم کوبنده اهداف پنهانی مأمون از برگزاری مناظره و اثبات حقانیت جایگاه ایشان است. درحالی‌که این پاسخ جاثلیق به پرسش دوم که «مطلبی را که از انجیل برایم روشن شود، انکار نمی‌کنم؛ بلکه بدان اذعان دارم.» گواهی است بر صدق نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله و حقانیت دین اسلام. اقراری که امام علیه السلام تمام حاضران در مجلس را بر آن گواه می‌گیرند. (صدوق، همان: ۱۴۲)

پاسخ امام رضا علیه السلام به دیگر پرسش جاثلیق در خصوص تعداد حواریون و علمای انجیل نیز تأییدی دیگر بر علم آن حضرت، حاشیه رانی اهداف مأمون و در مقابل

برجسته‌سازی اهداف امام ﷺ است. پاسخی که با تأکید دوباره آن حضرت بر بشارت یوحنا (یکی از عالمان انجیل) بر نبوت پیامبر ﷺ و ایمان مسلمانان به نبوت حضرت عیسی ﷺ - مشترکات ادیان الهی - پایان می‌یابد. (صدوق، همان: ۱۴۳)

در آخرین بخش مناظره امام رضا ﷺ با جاثلیق، آن حضرت پرسش‌کننده‌اند. ایشان ابتدا باور مسیحیان در خصوص مقام الوهی حضرت عیسی ﷺ را به چالش کشیده و در مقابل جاثلیق که به معجزات آن حضرت همانند زنده کردن مردگان و شفای بیماران استناد می‌کند، (صدوق، همان: ۱۴۳) به قرائت آیاتی از تورات، انجیل، زبور و قرآن می‌پردازند. (صدوق، همان: ۱۴۳-۱۴۴) آیاتی که بر توانایی برخی دیگر از پیامبران همانند یسع و حزقیل بر انجام معجزاتی مشابه تصریح دارند. (صدوق، همان: ۱۴۳) همچنین با شاهد گرفتن رأس الجالوت و قرائت بخش‌هایی از تورات، وجود این قبیل معجزات در پیامبران بنی اسرائیل، قبل از حضرت عیسی ﷺ را نیز برجسته می‌سازند. (صدوق، همان: ۱۴۴)

امام ﷺ صحبت خود را با این جملات به پایان می‌رسانند که «هیچ‌یک از مواردی را که برای ذکر کردم نمی‌توانی رد کنی، زیرا همگی مضمون آیاتی از تورات، انجیل، زبور و قرآن است. اگر هر کس که مرده زنده می‌کند و نابینایان و مبتلایان به پستی و دیوانگان را شفا می‌دهد، خدا باشد، پس این‌ها را هم خدا بدان. حال، چه می‌گویی؟» پاسخ جاثلیق به این روند استدلال جمله‌ای بیش نیست: «بله؛ حرف، حرف شماس است و معبودی نیست جز الله.» (صدوق، همان: ۱۴۵)

این شیوه استدلال و استنادات امام ﷺ که از یک سو بر مشترکات ادیان الهی تأکید داشته و از سوی دیگر باورهای نادرست مسیحیان در خصوص حضرت مسیح ﷺ را به حاشیه رانده و علم ایشان بر همه کتب آسمانی را عیان می‌سازد. امری که در پس آن، حقیقت‌یگانه بودن ایشان در زمانه خویش، برای تفسیر دین را برجسته ساخته و در مقابل، اهداف پنهانی مأمون از تشکیل مجلس مناظره را بی‌اثر می‌سازد. علاوه بر آن، در سطحی عمیق‌تر از حقانیت این جزء، کلیت کامل بودن دین اسلام در مقایسه با ادیان

پیشین و حقانیت متولی آن یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله نیز منتج می‌شود. امری که اقرار جاثلیق به درستی گفته‌های امام علیه السلام نیز مؤید آن است.

بخش دوم پرسش امام ترکیبی است. بدین معنا که ایشان بار دیگر بر بشارت کتب مقدس در نزد پیروان ادیان الهی در خصوص ظهور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله متمرکز می‌شوند و این بار رأس الجالوت و جاثلیق را توأمان مخاطب قرار می‌دهند. ایشان ابتدا بخش‌هایی از ده آیه نازل شده بر موسی در تورات را که اشاراتی بر این مهم دارند، برای رأس الجالوت قرائت می‌کنند و او را بر صدق گفته خود گواه می‌گیرند. (صدوق، همان: ۱۴۵) سپس بخش‌هایی از کتاب شعیا را در خصوص بشارت ظهور محمد صلی الله علیه و آله به آن دو یادآور می‌شوند. مضامینی که مورد تأیید آنهاست و در نهایت نیز سخن خود درباره این موضوع را با شاهد آوردن بخشی از گفته‌های عیسی بن مریم از انجیل به پایان می‌برند:

من به سوی خدای شما و خدای خودم خواهم رفت و فارقلیطا خواهد آمد و اوست که به نفع من و به حق شهادت خواهد داد، همان‌طور که من برای او شهادت دادم و اوست که همه چیز را برای شما تفسیر خواهد کرد و اوست که رسوایی‌های امت‌ها را آشکار خواهد کرد و اوست که ستون خیمه کفر را خواهد شکست. (صدوق، همان: ۱۴۵-۱۴۶)

شواهدی که مخاطبان جز به اقرار به درستی آنها راهی ندارند. اقراری که در واقع اقرار به علم امام {، الهی بودن دین اسلام و صدق ادعای نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. سخنان امام رضا علیه السلام با جاثلیق با طرح پرسشی در خصوص نحوه جمع‌آوری انجیل، پس از مفقود شدن ابتدایی، پایان می‌پذیرد. پرسشی که شخص امام علیه السلام پاسخ‌دهنده آن است و جاثلیق چاره‌ای جز پذیرش آن و گواهی بر علم آن حضرت ندارد: «این مطلب را تا به حال نمی‌دانستم و از برکت آگاهی شما نسبت به انجیل، امروز برایم روشن شد و مطالب دیگری را که می‌دانستید نیز از شما شنیدم. قلبم گواهی می‌دهد که آنها حق است. از سخنان شما بسیار استفاده کردم.» (صدوق، همان: ۱۴۶)

مناظره امام رضا ﷺ با علمای سایر ادیان کوتاه‌تر است؛ اما رأس الجالوت نیز همانند همتای خود پیش‌شرط مناظره را آوردن شاهد از تورات، انجیل یا زبور قرار می‌دهد. با پذیرش امام ﷺ، او از ایشان می‌خواهد که نبوت پیامبر ﷺ را برایش اثبات نمایند. (صدوق، همان: ۱۴۷)

امام ﷺ ابتدا با استدلال‌ات منطقی نبوت رسول خدا ﷺ را برای رأس الجالوت اثبات می‌نماید. اگرچه سخنان آن حضرت مورد تأیید اوست اما از ایشان می‌خواهد که از تورات برایش شاهد آورند. (صدوق، همان: ۱۴۸) این امر سبب می‌شود که امام ﷺ گام‌به‌گام شواهدی را از تورات و برخی از سخنان انبیاء پیشین همانند شعیا و حیقوق که در این کتاب آمده را برای او تلاوت نمایند، از او بر وجود آنها در تورات شاهد گرفته و به تفسیرشان پردازند. (صدوق، همان: ۱۴۸-۱۴۹) ایشان به این مقدار نیز بسنده نکرده و بخشی از زبور را نیز که محتوی بشارت ظهور پیامبر ﷺ است، بر او می‌خوانند. (صدوق، همان: ۱۴۹) گواهی رأس الجالوت به وجود قطعات مورد استناد امام رضا ﷺ در کتب انبیاء پیشین و سکوت او پس از تفسیر هر بخش، مؤید حقانیت دین اسلام و نبوت حضرت محمد ﷺ است. حقانیتی که با هوشمندی امام ﷺ در بهره‌گیری از مشترکات ادیان رقم می‌خورد و بار دیگر گستره علم آن حضرت بر مباحث دینی را آشکار می‌سازد. مناظره امام ﷺ با این عالم برجسته یهودی به همین جا ختم نمی‌شود. بلکه امام ﷺ در ادامه چرایی عدم اعتقاد او به نبوت عیسی ﷺ و محمد ﷺ را به چالش می‌کشند و با ارائه استدلال‌ات منطقی ادله او را محکوم می‌نمایند. (صدوق، همان: ۱۴۹-۱۵۰) امری که به دلیل خارج بودن از چارچوب مقاله حاضر به آن پرداخته نشده است اما توانمندی امام ﷺ در جهت دادن به مناظرات علمی با هدف کسب نتیجه‌ای مشخص را آشکار می‌سازد.

در ادامه مستندات اخلاق‌مداری دینی امام رضا ﷺ در مناظره با علمای سایر ادیان ارائه شده است.

۳. اخلاق‌مداری دینی

به نظر می‌رسد اخلاق‌مداری دینی امام رضا علیه السلام از جمله تدابیری است که ایشان به واسطه آن مناظره با علمای سایر ادیان را در فضائی توأم با احترام و جلب اشتیاق پیش برده‌اند. فضائی که تک‌تک مخاطبان را با سکوت یا پاسخ، به اقرار به علم امام علیه السلام وادار نموده است؛ عمران صابی را برای رسیدن به پاسخ پرسش‌هایش امیدوار ساخته و در نهایت اسلام آوردن او را در آن مجلس رقم زده است. (صدوق، همان، ج ۲: ۱۵۷)

این رفتار مدبرانه امام رضا علیه السلام از همان آغاز مناظره با جاثلیق قابل پیگیری است. هنگامی که جاثلیق پذیرش قول امام علیه السلام - در خصوص بشارت ادیان الهی پیشین به نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله - را به ارائه دو شاهد از غیر هم‌کیشان آن حضرت منوط می‌کند، ایشان درخواست او را «منصفانه» خوانده و برای گفته‌های خود شاهدانی متقن می‌آورند. (صدوق، همان، ج ۲: ۱۴۱) این برجسته‌سازی محسنات مخاطب - که نرمی دل‌ها را به دنبال دارد - تنها به این بخش از مناظره ختم نمی‌شود. بلکه امام علیه السلام هنگامی که پس از افتاح تمام علمای ادیان از حاضران می‌خواهد تا اگر سئوالی دارند، مطرح نمایند، در ضمن پاسخ‌های خود به پرسش‌های عمران صابی نیز این مهم را در نظر دارند.

بدین ترتیب که چون عمران دغدغه خود را برای اثبات «وجود واحدی که جز او دیگری قائم به وحدانیت نباشد»، عنوان می‌کند، امام علیه السلام بیان می‌دارند که اگر در بین جمعیت عمران صابی حاضر باشد، حتماً تو هستی. (صدوق، همان، ج ۲: ۱۵۱) بدین ترتیب پیش از ورود به گفتگو آگاهی خود به جایگاه و مقام او، به‌عنوان یکی از متکلمان برجسته صابئی را ابراز می‌نمایند. (بقره: ۶۲؛ شهرستانی، ۲۰۰۸ م: ۲۶۰ و ۲۶۲؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۵۹؛ بغدادی، ۲۰۰۸ م: ۲۴۸) این امر در کنار تذکر آن حضرت به او برای «رعایت انصاف» و «پرهیز از سخن فاسد، باطل و منحرف» باعث می‌شود که او هدف از پرسش خود را ابراز نماید: «به خدا قسم ای سرورم، فقط می‌خواهم چیزی را برایم ثابت کنی که بتوانم به آن تمسک جویم و به سراغ چیز دیگر نروم». (صدوق، همان: ۱۵۱)

این شرایط که تعریف ارائه شده توسط ابن سینا از مناظره را در خاطر تداعی می‌کند، فضا را برای پرسش‌های بعدی عمران و رسیدن او به پاسخ‌هایی که برای آنها به کوفه، بصره، شام و جزیره سفر نموده، مهیا می‌سازد. روندی که با اقرار عمران به علم امام ﷺ و تأیید سخنان آن حضرت همراه است و دیگر اهداف ایشان از مناظره را محقق می‌سازد. (صدوق، همان: ۱۵۱)

بنابراین می‌توان در نتیجه این مناظره، سهمی را نیز به تأثیر شیوه امام ﷺ در برجسته‌سازی محسنات مخاطب اختصاص داد. ایشان پیش از پاسخ به آخرین پرسش عمران صابی، در خصوص سؤال او می‌فرمایند: «این مطلب از پیچیده‌ترین نکاتی است که مورد سؤال مردم است و کسانی که دچار کاستی عقل و فقدان علم هستند، آن را نمی‌فهمند و در مقابل؛ عقلای منصف از درک آن عاجز نیستند. پس خوب در جواب من دقت کن.» (صدوق، همان: ۱۵۷) و به دنبال دریافت پاسخ این آخرین پرسش است که عمران، سؤال امام رضا ﷺ در خصوص فهم مطالب عنوان‌شده را این‌گونه پاسخ می‌دهد که «بله سرورم، فهمیدم و گواهی می‌دهم که خداوند تعالی همان‌گونه است که توضیح دادی و به یکتایی و صفش نمودی و گواهی می‌دهم که محمد بنده اوست که به نور هدایت و دین حق مبعوث شده است.» (همان) آن‌گاه روبه‌قبله، به سجده افتاده و اسلام می‌آورد.

در کنار این تدابیر امام رضا ﷺ می‌توان رد شدن آسان و همراه با آرامش ایشان از دوگانگی موجود در گفته‌های علمای مسیحی، یهودی و زردشتی را نیز افزود. عیان‌ترین این امر در ضمن آخرین پرسش آن حضرت از جاثلیق رقم خورده است. زمانی که امام ﷺ نظر جاثلیق را در خصوص علمای انجیل (الوقا، مرقابوس، یوحنا و متی) می‌پرسند و او پاسخ می‌دهد که «شهادت آنها کاملاً قابل قبول است. آنها علماء انجیل هستند و هر چه را تأیید کنند و به آن گواهی دهند، حق است.» (صدوق، همان: ۱۴۶) امام ﷺ حاضران در مجلس را بر این سخن او شاهد می‌گیرند. سپس مطالبی را از قول آنها در خصوص اصل و نسب حضرت عیسی ﷺ و نیز جمله‌ای را از عیسی بن مریم در خصوص امکان

صعود به آسمان نقل کرده و نظر جاثلیق را در خصوص آنها جويا می‌شوند. او گفته‌ی عیسی مسیح علیه السلام را می‌پذیرد اما سخنان علمای را در خصوص اصل و نسب عیسی با این جمله که «به عیسی افتراء زده‌اند»، رد می‌کند. در این هنگام امام علیه السلام رو به حضار کرده و از آنها می‌پرسند: «آیا(همین حالا) پاکی و صداقت آنان را تأیید نکرد و نگفت آنان علماء انجیل هستند و گفتارشان حق و حقیقت است؟» چون مناظره به این مرحله می‌رسد، جاثلیق رو به امام علیه السلام کرده و می‌گوید: «ای دانشمند مسلمین، دوست دارم مرا در مورد این چهار نفر معاف داری» و امام رضا علیه السلام پاسخ می‌دهند که: «قبول است، تو را معاف کردم. حال هر چه می‌خواهی سؤال کن.» اما جاثلیق با گفتن این جمله که «بہتر است دیگری سؤال کند. به حق مسیح قسم، گمان نداشتم در بین علماء مسلمین کسی مثل شما وجود داشته باشد.» مناظره‌ی خود با آن حضرت را به پایان می‌برد. (صدوق، همان: ۱۴۶)

ایشان همچنین سکوت رأس الجالوت و هرید را نیز به آسانی پذیرا می‌شوند. (صدوق، همان: ۱۵۰) هنگامی که با سئوالات خود دوگانگی استدلالات و سخنان آنها را، در خصوص دلیل پذیرش نبوت موسی و زردشت و عدم پذیرش نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله، بر آنها آشکار می‌سازند. همان‌طور که پیش‌تر از کنار عدم پایبندی جاثلیق به وعده‌اش برای اسلام آوردن در صورت تائید شاهی بر وجود بشارت ظهور پیامبر صلی الله علیه و آله در انجیل گذشته بودند. (صدوق، همان: ۱۴۲)

بدین ترتیب می‌توان گفت امام علیه السلام در این بُعد از گفتگوی خود با علمای حاضر در مجلس نیز باز گذاشتن دری برای تفکر و انتخاب با اختیار را بر پافشاری و برجسته‌سازی نقصان باورهای مخاطب ترجیح می‌دهند. در واقع ایشان ضمن حفظ جایگاه آنان به عنوان علمای مورد احترام در دین خود، زمینه‌ی گروهش آنها به دین اسلام را فراهم می‌آورند. امری که می‌توان از آن به عنوان مصداق بارز اخلاق‌مداری دینی نام برد. در سطحی ژرف‌تر نیز می‌توان به آسانی دریافت که این شیوه‌ی امام علیه السلام چگونه امکان اقرار نماینده‌ی دین مسیحیت به علم آن حضرت را فراهم آورده است. دینی که عالمان آن، در آن برهه‌ی

زمانی بیشترین شبهه را به حقانیت دین اسلام و نبوت پیامبر ﷺ وارد کرده بودند. همان‌طور که سکوت علمای دیگر ادیان نیز بینه‌ای است بر صدق گفته‌های امام ﷺ برای تمام حاضران در مجلس و بی‌نتیجه ماندن اهداف پنهانی مأمون از برپایی مجلس مناظره.

نتیجه

با توجه به بافت زمینه و مستندات که ارائه شد می‌توان گفت امام رضا ﷺ مناظرات خود با علمای سایر ادیان الهی را با در نظر داشتن دو شاخصه‌ی بهره‌گیری از ظرفیت ادیان و اخلاق‌مداری دینی انجام داده است. در به کار گرفتن شاخصه اول آن حضرت اشتراکات اصول ادیان الهی و نیز مبشر و مؤید بودن هر یک از آنها نسبت به دیگری را در نظر داشته است. پایبندی ایشان به اخلاق دینی را نیز می‌توان از عملکرد ظریف امام ﷺ در برجسته‌سازی محسنات مخاطبان، سهل‌گیری ایشان نسبت به مخاطب و ایجاد زمینه برای تفکر در مناظره‌کنندگان دریافت. همچنین پرسش‌های طرح شده توسط امام رضا { در آن مجلس با توجه به شرایط حاکم بر جهان اسلام، خاصه در بغداد و رقابت علمای ادیان الهی برای اثبات حقانیت خود و شرایطی که شخص آن حضرت در آن قرار داشته‌اند از این امر حکایت دارد که ایشان در ضمن مناظرات خود به اثبات حقانیت دین اسلام و نبوت پیامبر ﷺ توجه داشته‌اند. امری که حاشیه‌رانی گفتمان‌های رقیب این دین را به دنبال داشته است. علاوه بر آن اقرار چندباره‌ی تمامی مناظره‌کنندگان به علم امام ﷺ، با برجسته‌سازی جایگاه علمی آن حضرت و حقانیت ایشان برای امامت مسلمانان همراه بوده است. آنچه اهداف پنهانی مأمون از برگزاری این مناظره را بی‌اثر ساخته است.

منابع و مأخذ:

قرآن مجید

۱. ابن ابی اصیبعه (۲۰۰۱ م)، *عیون الانباء فی طبقات الاطباء*، تحقیق عامر نجار، قاهره: هیئت المصریه العامه للکتاب.
۲. ابن حوقل (۱۳۴۵)، *صورة الارض*، ترجمه: جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۳. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۵ ق)، *الشفاء (منطق)*، به کوشش احمد فؤاد اهوانی، قاهره: وزارة التربية والتعليم.
۴. ابن ندیم (۱۳۸۴ ق)، *الفهرست*، قاهره: مکتبه التجاریه الکبری.
۵. اشعری، سعد بن عبدالله (۱۳۶۱)، *المقالات و الفرق*، تصحیح: محمدجواد مشکور، تهران: علمی و فرهنگی.
۶. الگود، سیریل (۱۹۷۳ م)، *تاریخ پزشکی ایران از ایران باستان تا ۱۹۳۴*، ترجمه: محسن جاویدان، تهران: اقبال.
۷. بغدادی، عبدالقاهر (۲۰۰۸ م)، *الفرق بین الفرق*، بیروت: دار المعرفه.
۸. جعفریان، رسول (۱۳۹۰)، *حیات فکری - سیاسی امامان شیعه*، تهران: علم.
۹. جمیلی، رشید (۱۳۸۵)، *نهضت ترجمه در شرق جهان اسلام در قرن سوم و چهارم هجری*، ترجمه: صادق آئینه‌وند، تهران: سمت.
۱۰. حضرتی، حسن (۱۳۹۵) و زینب امیدیان، «*امحای بت پرستی و بازآفرینی غرور قومی عرب؛ جستاری در تاریخ‌نگاری هشام کلبی بر پایه کتاب الاصنام*»، فصلنامه تاریخ اسلام، سال ۱۷، ش ۳، پاییز.
۱۱. خزعلی، انسیه (۱۳۹۶) و زری انصاری نیا، «*تحلیل گفتمان ادیان در مناظره امام رضا (ع) با علمای دین مسیح و یهود*»، فرهنگ رضوی، سال ۵، ش ۱۹، پائیز.
۱۲. خضری، سید احمد رضا (۱۳۹۱)، *تشیع در تاریخ*، قم: معارف.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. دمیری، کمال‌الدین (بی‌تا)، *حیاء الحیوان الکبری*، بیروت: دار القاموس الحدیث.

۱۵. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۱۱ق)، *تاریخ الخلفاء*، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، قم: انتشارات الرضی.
۱۶. شهرستانی، عبدالکریم (۲۰۰۸م)، *الملل و النحل*، تحقیق ابراهیم شمس‌الدین، بیروت: موسسه اعلمی.
۱۷. صادق‌یان، محمد(بی‌تا)، «نگاهی بر شیوه مناظره امام رضا ﷺ با بزرگان ادیان»، مشکوه، ش ۱۰۲.
۱۸. صدوق، محمد بن علی بن حسین (۱۴۰۴ق)، *عیون اخبار الرضا*، بیروت: اعلمی.
۱۹. صفری فروشانی، نعمت‌الله (۱۳۸۸)، «تحلیلی بر قیام‌های علویان در دوران امام رضا ﷺ و ارتباط آن با ولایت‌مهدی»، شیعه شناسی، ش ۲۶، تابستان.
۲۰. طبری آملی، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ق)، *دلائل الامامه*، قم: موسسه البعثه.
۲۱. قربانی علمداری، معین (۱۳۹۴) و سید محسن موسوی، «مناظره درون دینی در اسلام با رویکرد مناظرات امام رضا ﷺ»، مجموعه مقالات سیزدهمین جشنواره بین‌المللی امام رضا ﷺ، آبان.
۲۲. کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸)، *رجال کشی*، مشهد: دانشگاه مشهد.
۲۳. گریفیث، سیدنی (۱۳۸۶)، «کتاب مقدس و پیام محمد ﷺ بر اساس دفاعیه‌های مسیحی به زبان‌های غربی و سریانی در اولین قرن زمامداری عباسیان»، ترجمه وحید صفری، هفت‌آسمان، ش ۳۴.
۲۴. منتظری، محمد (۱۳۹۲)، «امامت از دیدگاه اندیشمندان امامیه در مدرسه کوفه»، فصلنامه امامت پژوهی، سال سوم، شماره ۱۰، تابستان.
۲۵. ناظمیان فرد، علی (۱۳۸۸)، *مأمون و محنه*، پژوهش‌های تاریخی، (دور جدید)، ش ۳، پائیز.

